

۸۶ - اجل محتوم و معلق

و از حضرت بهاء الله در لوحی است. **قوله الاعلی:** "بسی المشفق الکریم یا محمد قبل علی ... در اجل محتوم محبوب تسلیم و رضا است. در سراج ملاحظه نما مادام که دهن و فتیل موجود میشود او را از اریاح عاصفه و شئونات اخی باید حفظ نمود این مقام هر نفسی آنچه ذکر شد قرائت نماید البتّه محفوظ ماند و بشفا فائز گردد و این است اجل معلق که از قبل و بعد ذکرش ما بین عباد بوده و اما چون دهن و فتیل بانتهای رسد دیگر اسباب و آلات ثمر نداشته و نخواهد داشت این است مقام اجل محتوم اگر چه حقّ جلّ جلاله قادر است بر تغییر آن ولکن ضرّ آخر ظاهر لذا اگر انسان بروح و ریحان و توکل و تسلیم در این مقام فائز شود لعمرالله از اهل فردوس اعلی مذکور گردد و در آن مقام اعلی مسکن نماید. اگر ذکر این مقامات بتفصیل از قلم اعلی جاری شود کلّ قبل از حتم قصد مقصد اقصی و ذروه علیا نمایند اکثری مصلحت خود را نمیدانند عیسی بن مریم میگوید تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسک انک انت العلیم الخیر."

و در اثری دیگر صادر از محضر حضرت بهاء الله. **قوله الاعزّ:** "بقضایای محتومه سلطان لایزالی راضی شده دلتنگ نباشید و ما هو المحتوم عند ربک لا یبدله شیئی عما خلق بین السموات و الارض چنانچه ما بین عباد مذکور است دو اجل فرض نموده اند از برای هر شیئی الاوّل معلق والثانی محتوم ولکن آنچه در ایندو مقام ذکر نموده اند لا یسمن و لا یغنی بوده چه که از اصل علم الهی و حکم بالغه صمدانی محروم اند الا من شاء ربک و اکثری از ناس بعدم بلوغ عرفان ایندو مقام مقرّ و معترفند. در بیان این مطلب مثلی ذکر میشود که شاید آنجناب بحقیقت آن عارف شده ناس را بحفظ الله و قوّته از آجال معلقه حفظ نمایند که شاید بنفس محتوم و عرفان او فائز شده موقن شوند. در شمع ملاحظه نمایند که مشتعل است اجل محتوم آن منتهی شدن پیه و فتیل است چه که تا این دو باقی شمع مشتعل و منیر است و چون ایندو منتهی شد حتم است اطفای او و البتّه منطقی خواهد شد و ابدأ تغییر و تبدیل در ایندو مقام راه ندارد و آنی تقدیم نجوید و آنی تغییر نپذیرد چنانچه مشهود است و مشاهده میشود ولکن باین حتم مرزوق شود اگر آجال اکوانیه که در نفس اکوان بقدرت رحمن خلق شده او را اخذ ننماید و فانی نسازد و این آجال نظر بعدم انقطاع قدرت الهیه بر کلّ شیئی مشهود آمده فهیننا لمن بلغ الی منبع العرفان و یكون فی آثار ربه لمن المتفکرین و بلغ الی مراد الله فی کلماته فطوبی للواقفین و البالغین مثلاً همین شمع بسا میشود بانتهی نرسیده اریاح بر او مرور مینماید و یا باسباب دیگر عما خلق منقطع میگردد و خاموش میشود."